

مقاله پژوهشی: ارزیابی تطبیقی تأثیر مخارج نظامی بر تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منتخب

احمد امیرآبادی فراهانی^۱، اصغر صالح اصفهانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۸

چکیده

مخارج نظامی کشورها یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در عصر حاضر بسیاری از کشورها به منظور تقویت بینه دفاعی خود به نسبت تولید ناخالص داخلی کشور خود، هزینه می‌کنند. همچنین با توجه به واقع شدن بخش اعظم منابع طبیعی جهان به ویژه انرژی در منطقه غرب آسیا، باعث شده تا کشورهای برخوردار از این ذخایر، تقریباً از منابع بودجه‌ای کافی برای این امر برخوردار باشند. بر همین اساس، هدف تحقیق حاضر ارزیابی تطبیقی تأثیر مخارج نظامی بر تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منتخب همچون ایالات متحده، ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۸ می‌باشد. برای این منظور از روش داده‌های پانلی جهت تخمین مدل اقتصادسنجی تحقیق بهره‌گیری شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با وجود عدم شفافیت در ارائه آمار و اطلاعات نظامی، عربستان سعودی، رژیم منحوس اشغالگر قدس و آمریکا در زمینه مخارج نظامی و واردات تسلیحات نظامی بیشترین فعالیت را در زمینه مخارج نظامی و واردات تسلیحات نظامی دارند. این در حالی است که در کشور ایران فقط ۲/۱۷ درصد مخارج نظامی کشور بر میزان تولید ناخالص داخلی تأثیر گذاشته است و این نشان می‌دهد به نسبت دیگر کشورهای منتخب مورد بررسی، ایران همواره کمترین رقم را در زمینه دفاع و هزینه دفاعی تخصیص داده است و بیشترین امنیت را به‌خصوص در کشورهای همجوار منتخب کسب کرده است.

کلیدواژه‌ها: مخارج نظامی، تولید ناخالص داخلی، جمهوری اسلامی ایران، کشورهای منتخب.

۱ - دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) - Amirabadi90@gmail.com

۲ - دانشیار مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی.

مقدمه

بودجه تخمین و پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها برای یک دوره زمانی خاص است. دولت برای اجرای مأموریت‌هایی که از سوی مردم به آن محول شده است، باید منابع لازم را از اقتصاد به شیوه‌ای مناسب و به مقدار کافی جمع‌آوری کند و این منابع را به طور مسئولانه، کارا و اثربخش به اولویت‌های عمومی تخصیص دهد. این فرایند که در طی یک سال مالی در جریان است، بودجه‌ریزی نام دارد (آتش‌بار، ۱۳۹۶: ۲). بودجه‌ریزی فرایند تهیه برنامه برای هزینه کردن پول است. بودجه‌ریزی در واقع فرایند مهم پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای کمک به مدیریت پول از طریق توازن میان هزینه‌ها و درآمدهاست. بودجه‌ریزی به سادگی این تعادل و توازن را برقرار می‌سازد. بودجه‌ریزی فرایند محاسبه اینکه چقدر پول باید طی یک دوره زمانی خاص کسب و ذخیره نمود و برنامه‌ریزی برای اینکه چگونه هزینه شود، تعریف می‌شود. در این میان یکی از مهمترین بخش‌های بودجه‌ریزی در هر کشوری، بودجه‌ریزی دفاعی می‌باشد. بودجه‌ریزی دفاعی فرایند تخصیص منابع مالی برای تجهیزات، پرسنل، زیرساخت‌ها و برنامه‌های دفاعی می‌باشد. محصول نهایی این نوع بودجه‌ریزی، بودجه دفاعی است که یک برآورد دقیق از منابع طرح شده و هزینه‌های عملیاتی برای وزارت دفاع و نهادهای مربوطه، طی یک دوره زمانی است. در بعضی از کشورها، کمک‌های امنیتی و نظامی خارجی نیز به‌عنوان بخشی از بودجه دفاعی در نظر گرفته می‌شود (لطفی جلال‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵).

در بسیاری از کشورها، فرایند شفافیت در زمینه بودجه‌ریزی دفاعی موجود نیست و موانع مهمی برای پذیرش و اجرای شیوه‌های بهتر این نوع بودجه‌ریزی وجود دارد. در نتیجه فرایند بودجه‌ریزی دفاعی مبهم و این امر مانع از نظارت مناسب بر آن می‌شود. این در حالی است که دولت‌ها باید بین نیاز به حفظ امنیت اطلاعات طبقه‌بندی شده و شفافیت بودجه و پاسخگویی به مردم تعادلی را ایجاد کنند. از این‌رو یکی از ویژگی‌های مهم و پیچیده بودجه‌ریزی دفاعی، دسترسی به اطلاعات است. بودجه‌ریزی دفاعی شامل مدیریت بسیار حساس اطلاعات است. برای به حداکثر رساندن مزایای خدمات دفاعی و امنیتی، مقامات باید داده‌های محرمانه را محفوظ و مصون نگه دارند. با وجود این، بودجه‌ریزی دفاعی شفاف به منظور تخصیص منابع میان نقش‌های مختلف بخش‌های دفاعی و امنیتی، برای به حداکثر رساندن کارایی عملیاتی ضروری است. علاوه بر دلایل داخلی، فرایند بودجه‌ریزی دفاعی شفاف و کافی، دارای مزایای بین‌المللی و منطقه‌ای نیز می‌باشد. محرمانگی بیش‌ازحد این نوع بودجه‌ریزی، می‌تواند منجر به سطح بالایی از عدم اطمینان و سوءظن در سطح منطقه‌ای و جهانی شود. با وجود این، تا حدودی درک رو به رشدی در میان سازمان‌های منطقه‌ای شکل گرفته که امنیت و ثبات می‌تواند از طریق افشای برخی از این اطلاعات تقویت

شود. به‌عنوان مثال کشورهای عضو ناتو، اطلاعات مربوط به هزینه‌های دفاعی سالیانه خود را ارائه می‌دهند. در آمریکای جنوبی نیز شفافیت بودجه دفاعی، ثبات و همکاری‌های منطقه‌ای را تا حدودی تقویت کرده است. در نشست مارس ۲۰۰۹ شورای دفاع آمریکای جنوبی (SADC)، ۱۲ کشور عضو نهاد همکاری منطقه‌ای (که در سال ۲۰۰۸ تأسیس شد)، توافقی را در سنتیاگو شیلی امضاء کردند. بخشی از این سند، مربوط به افزایش شفافیت در بودجه دفاعی است. این توافقنامه منطقه‌ای نشان می‌دهد که افزایش سطح شفافیت بودجه دفاعی براساس همکاری، می‌تواند ثبات و امنیت منطقه‌ای را تقویت نماید اما نمی‌توان با اطمینان گفت که شفافیت در بودجه‌ریزی دفاعی به‌ویژه در مناطقی مثل غرب آسیا که با اختلافات و منازعات زیاد ارضی و غیرارضی مواجه هستند، تأثیرات و پیامدهای مثبتی در زمینه تقویت همکاری و امنیت منطقه‌ای به همراه خواهد داشت. بر همین اساس بیشتر کشورهای جهان، از ارائه داده‌ها و اطلاعات کافی و دقیق بودجه‌ریزی دفاعی خود، خودداری می‌کنند. بر این اساس در مقاله حاضر به ارائه گزارش و مقایسه تطبیقی بودجه‌ریزی دفاعی برخی کشورهای جهان پرداخته شده است.

مبانی نظری و پیشینه‌سناسی تحقیق

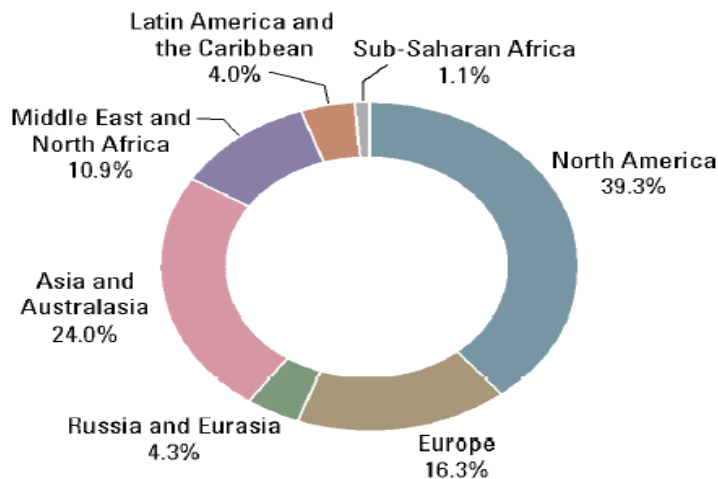
هزینه‌های نظامی کشورهای منتخب و برخی کشورهای جهان

با توجه به اینکه هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه از اهمیت زیادی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است، در این بخش عمده‌تأ اطلاعات موجود در خصوص آن‌ها ارائه می‌شود. علاوه بر این برخی کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همانطور که جدول زیر نشان می‌دهد، به جز ترکیه که اطلاعات بودجه‌ای خود را به ناتو و سازمان ملل متحد ارائه کرده، هیچ‌کدام از کشورهای منطقه، اطلاعات خود را در مورد هزینه‌های نظامی به سازمان ملل متحد ارائه نداده‌اند. شایان ذکر است که ترکیه نیز تنها اطلاعات کلی را در چهار بخش به این سازمان ارائه داده است. با وجود این، کشورهای محدودی از جهان در چند سال اخیر به‌طور مداوم، اطلاعات خود را در این زمینه ارائه داده‌اند. به‌عنوان مثال کشورهای آمریکا و روسیه در سال ۲۰۱۶ گزارش بودجه نظامی خود را در سال ۲۰۱۵ به سازمان ملل متحد ارائه داده‌اند و گزارش بودجه دفاعی سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ از سوی آن‌ها ارائه نشده است. از این‌رو در زمینه بودجه نظامی کشورهای منطقه به استثنای ترکیه تنها مؤسسه سیپری، مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک و گلوبال فایر پاور اطلاعاتی ارائه نموده‌اند که تفاوت‌هایی میان اطلاعات ارائه شده وجود دارد. به‌عنوان مثال بودجه نظامی جمهوری اسلامی ایران براساس آمار مؤسسه سیپری و میلیتاری بالانس در سال ۲۰۱۷ به

ترتیب برابر با ۱۴/۵ و ۱۶ میلیارد دلار بوده اما در گلوبال فایر پاور این بودجه برابر با ۶/۳ میلیارد دلار می‌باشد.

براساس گزارش مؤسسه سیپری، در سال ۲۰۱۷ کل هزینه‌های نظامی جهان ۱۷۳۹ میلیارد دلار برآورد شده که بالاترین سطح پس از پایان جنگ سرد می‌باشد و ۲/۲ درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهد. این هزینه نسبت به سال ۲۰۱۶ دارای ۱/۱ درصد رشد بوده است. میلیتاری بالانس کل این هزینه‌ها را در سال مذکور، ۱۵۵۶/۹ میلیارد دلار اعلام کرده که نسبت به سال ۲۰۱۶ رشد آن ۲/۵ درصد بوده است. براساس آمار این سازمان، بیشترین میزان هزینه‌های نظامی مربوط به آمریکای شمالی و آسیا به ترتیب با ۶۱۹/۸ و ۳۷۸/۶ میلیارد دلار می‌باشد. بعد از آن اروپا با ۲۵۷/۳، غرب آسیا و شمال آفریقا با ۱۶۷، آمریکای لاتین و کارائیب با ۶۳/۴، روسیه و اوراسیا با ۵۲/۶ و آفریقای زیر صحرا با ۱۸ میلیارد دلار قرار دارد. بنابراین هر چند که رشد هزینه‌های نظامی در دهه‌های اخیر در غرب آسیا بیش از دیگر مناطق بوده و بالاترین نسبت را به تولید ناخالص داخلی در جهان دارد، اما در کل تنها ۱۰/۹ درصد از کل هزینه‌های نظامی جهان را به خود اختصاص داده است. در حالی که بی‌ثبات‌ترین و ناامن‌ترین منطقه جهان بشمار می‌رود.

نمودار ۱. آمایش هزینه‌های دفاعی جهان در سال ۲۰۱۷ (درصد)



منبع: میلیتاری بالانس^۱، ۲۰۱۸: ۱۹

^۱ The Military Balance, ۲۰۱۸: ۱۹

همه گزارش‌های ارائه شده نشان می‌دهد که عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ جایگاه نخست منطقه را از نظر هزینه‌های نظامی دارد. براساس گزارش مؤسسه مطالعاتی سیپری، عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ در جایگاه سوم جهان از نظر هزینه‌های نظامی قرار گرفته و ۴ درصد کل هزینه‌های نظامی جهان توسط این کشور صورت گرفته است. براساس گزارش میلیتاری بالانس و گلوبال فایر نیز این کشور بعد از کشورهای آمریکا و چین در جایگاه سوم جهان قرار دارد. همان طور که نمودار زیر نشان می‌دهد عربستان سعودی براساس گزارش میلیتاری بالانس ۴/۹ درصد از کل هزینه‌های نظامی جهان را به خود اختصاص داده است این در حالی است که مابقی کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا تنها ۶ درصد از این هزینه‌ها را شامل شده است. شایان ذکر است که آمریکا و چین به ترتیب ۳۸/۲ و ۹/۵ درصد کل هزینه‌های نظامی جهان را تشکیل داده‌اند.

شایان ذکر است که براساس اطلاعات میلیتاری بالانس بخشی از هزینه‌های نظامی برخی از کشورهای منطقه از جمله رژیم صهیونیستی، بحرین، اردن، عراق و مصر و لبنان، کمک نظامی آمریکا به این کشورها بوده است. با توجه به نتایج جدول شماره ۱ در سال ۲۰۱۷ بیشترین میزان کمک‌های نظامی آمریکا در بین کشورهای منتخب، مربوط به اسرائیل با ۳/۱ میلیارد دلار می‌باشد.

جدول ۱. بودجه نظامی ایران و کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۷ (میلیارد دلار)

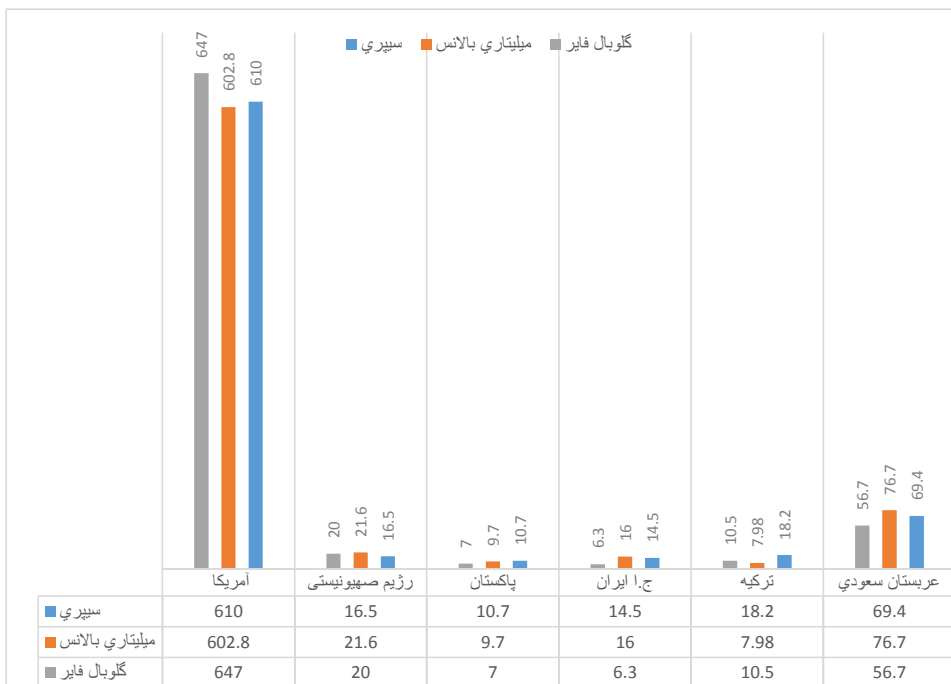
نام کشور	سیپری	مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (میلیتاری بالانس)	گلوبال فایر پاور	سازمان ملل متحد	ناتو
ج.۱ ایران	۱۴/۵	۱۶	۶/۳	-	-
عربستان سعودی	۶۹/۴	۷۶/۷	۵۶/۷	-	-
پاکستان	۱۰/۷	۹/۷	۷	-	-
رژیم صهیونیستی	۱۶/۵	۱۲۱/۶	۲۰	-	-
عراق	۷/۴	۲۱۹/۴۵	۶	-	-
ترکیه	۱۸/۲	۷/۹۸	۱۰/۵	۸/۵	۱۲/۹۷

۱. از این میزان، ۳/۱ میلیارد دلار کمک نظامی آمریکا به رژیم صهیونیستی بوده است.
 ۲. از این میزان، ۱۵۰ میلیون دلار کمک نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۱۷ بوده است.

نام کشور	سیبری	مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (میلیتاری بالانس)	گلوبال فایر پاور	سازمان ملل متحد	ناتو
آمریکا ^۱	۶۱۰	۶۰۲/۸	۶۴۷	۶۰۴/۲ (۲۰۱۵)	۶۸۶

نمودار ۲ به خوبی تفاوت آمارهای مؤسسات مربوطه را در خصوص جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همسایه نشان می‌دهد که نشان از عدم شفافیت بالای بودجه‌های نظامی در این کشورها است. زیرا مشکلات موجود در به دست آوردن داده‌های مربوط به هزینه‌های واقعی دفاعی باعث شده تا آمار دقیقی از کل هزینه‌های دفاعی غرب آسیا وجود نداشته باشد. با وجود این، سرنخ‌هایی از هزینه‌های دفاعی کشورهای کلیدی منطقه به‌ویژه عربستان سعودی که دارای بزرگترین بودجه دفاعی در منطقه می‌باشد، وجود دارد. (میلیتاری بالانس، ۲۰۱۸: ۳۱۹).

نمودار ۲. بودجه نظامی ایران و کشورهای منتخب براساس اطلاعات سیبری، میلیتاری بالانس و گلوبال فایرپاور (میلیارد دلار)



^۱. بودجه ۲۰۱۹-۷۱۶ میلیارد دلار که نسبت به سال ۲۰۱۸ هفت درصد افزایش یافته است.

مقایسه بودجه نظامی تعدادی از کشورهای منطقه، بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷، براساس گزارش سیبری نشان می‌دهد که کشورهای عربستان سعودی، پاکستان و رژیم صهیونیستی از رشد صعودی مناسبی برخوردار بوده‌اند. براساس این گزارش در بازه زمانی مذکور، بودجه نظامی جمهوری اسلامی ایران، روند نوسانی داشته است. به گونه‌ای که بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ دارای سیر صعودی بوده اما از این سال رشد آن منفی و مجدداً در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

نسبت بودجه دفاعی به تولید ناخالص داخلی

بیشترین میزان نسبت هزینه‌های نظامی به تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان، مربوط به کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است. به گونه‌ای که براساس گزارش مؤسسه سیبری و میلیتاری بالانس به ترتیب این نسبت برابر با ۵/۷ و ۵/۴ درصد می‌باشد. این در حالی است که میانگین جهانی آن براساس گزارش‌های مذکور به ترتیب برابر با ۲/۲ و ۱/۹ درصد است. براساس گزارش سیبری، میانگین این نسبت برای کشورهای ترکیه (۲/۲ درصد)، پاکستان (۳/۵ درصد)، رژیم صهیونیستی (۴/۷ درصد)، عربستان سعودی (۱۰/۳ درصد)، آمریکا (۳/۱ درصد) و آفریقای زیرصحرای برابر با ۱/۰۹ درصد می‌باشد.

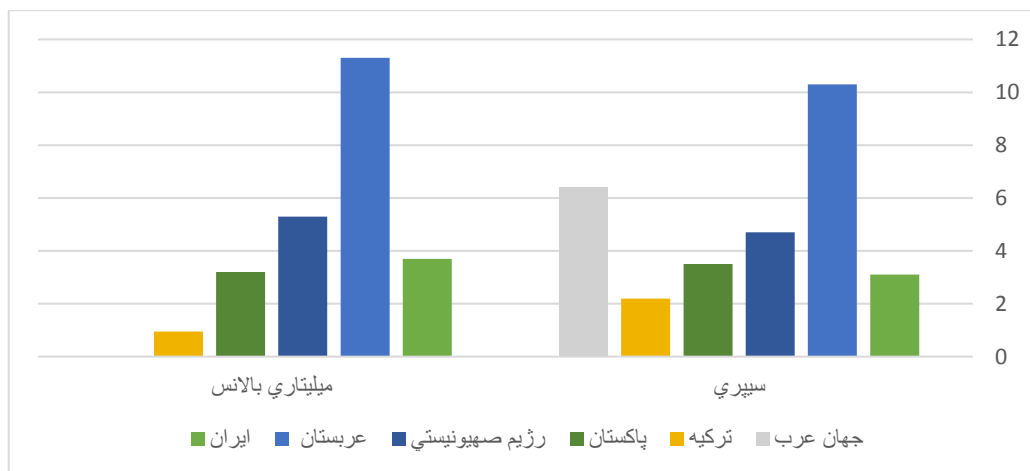
جدول ۲. نسبت بودجه دفاعی به تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۷ (درصد)

نام کشور	سیبری	مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک	ناتو
ج.ا. ایران	۳/۱	۳/۷	-
عربستان سعودی	۱۰/۳	۱۱/۳	-
رژیم صهیونیستی	۴/۷	۵/۳	-
پاکستان	۳/۵	۳/۲	-
ترکیه	۲/۲	۰/۹۵	۱/۵۲
آمریکا	۳/۱	۳/۱	۳/۵۷
میانگین جهان	۲/۲	۱/۹۹	-
میانگین جهان عرب	۶/۴	-	-
غرب آسیا و شمال آفریقا	۵/۷	۵/۴	-

میانگین میزان بودجه دفاعی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو ناتو در سال ۲۰۱۷ برابر با ۲/۴ درصد می‌باشد و در میان کشورهای عضو آن، آمریکا با ۳/۵۷ درصد در جایگاه نخست از این

نظر قرار دارند. همچنین کشور عربستان سعودی در میان کشورهای منطقه در رتبه‌های نخست قرار دارند این در حالی است که براساس گزارش سیبری میانگین نسبت هزینه‌های دفاعی به تولید ناخالص داخلی برای جهان عرب ۶/۴ درصد است. سیبری و میلیتاری بالانس این نسبت را برای جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۷ به ترتیب ۳/۱ و ۳/۷ درصد بیان کرده‌اند. همانطور که نمودار ۳ نشان می‌دهد ایران از این نظر در مقایسه با بیشتر کشورهای منطقه از نسبت پایین‌تری برخوردار است.

نمودار ۳. مقایسه نسبت هزینه‌های نظامی به تولید ناخالص داخلی در منطقه (درصد)



خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی کشورهای منطقه

غرب آسیا یکی از بزرگ‌ترین مناطق نظامی شده در جهان است که در آن اختلافات و منازعات زیادی میان کشورهای منطقه وجود دارد. رهبران رژیم صهیونیستی به مجموعه تهدیدات این رژیم از جمله چندین جنگ میان این رژیم و همسایگان آن اشاره کرده و ادعای نیاز به حفظ یک ارتش پیشرفته با فناوری بالا و بزرگ را دارند. علاوه بر این منازعات و درگیری‌های مداوم در کشورهای یمن، سوریه و لیبی نشان می‌دهد که کشورهای دیگر به دنبال نفوذ از طریق استفاده از نیروهای نظامی خود یا انتقال تسلیحات به متحدان محلی خود می‌باشند. عوامل دیگری نیز علاوه بر عوامل فوق به تقاضاهای متعدد برای تسلیحات در منطقه منجر شده است. بسیاری از کشورها با تهدیدات تروریستی فراملی و برخی از آنها با شورش‌ها و اعتراضات داخلی مواجه هستند. علاوه بر این، بسیاری از کشورهای این منطقه دارای نیروهای نظامی بزرگ هستند که اغلب نقش مهمی را در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی آنها ایفاء می‌کنند. همچنین پیشرفت‌ها در فناوری و قابلیت‌ها،

باعث شده تا برخی از سامانه‌های نظامی از رده خارج و نیاز به خریدهای جدید باشد. برخی نیز اهمیت دولت‌های غرب آسیا به خرید تسلیحات سنگین را به نقش این تسلیحات در ایجاد اعتبار بین‌المللی و به همان نسبت هویت و غرور ملی، نسبت می‌دهند. این‌ها انگیزه‌های قوی در منطقه برای مشروعیت بخشیدن به اقدامات کشورها است (توماس، ۲۰۱۷).

در این میان خرید و واردات تسلیحات جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۷۷ به‌ویژه بعد از انقلاب و با اعمال تحریم‌ها به شدت کاهش یافته است. در حالی که در طول دهه‌های اخیر خرید تسلیحات توسط کشورهای منطقه از رشد زیادی برخوردار شده است. همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ از ۱۵ کشور همسایه جمهوری اسلامی ایران، ۱۲ کشور آن جزء ۴۰ کشور بزرگ واردکننده تسلیحات جهان قرار داشته‌اند. در مجموع بیش از ۳۰ درصد از واردات تسلیحات جهان در سال‌های مذکور، به این کشورها تعلق داشته است.

جدول ۳. سهم و رتبه کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران از واردات تسلیحات جهان (درصد)

کشور	رتبه	سهم از واردات جهان (درصد)		رشد (درصد)
		۲۰۰۸-۲۰۱۲	۲۰۱۳-۲۰۱۷	
عربستان سعودی	۲	۳/۴	۱۰	۲۲۵
امارات متحده عربی	۴	۳/۲	۴/۴	۲۱۵
عراق	۸	۱/۷	۳/۴	۱۱۸
پاکستان	۹	۴/۹	۲/۸	-۳۶
ترکیه	۱۲	۳/۱	۲/۴	-۱۴

واردات تسلیحات منطقه غرب آسیا در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۷ نسبت به سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۸ بیش از ۱۰۳ درصد افزایش یافته است و میان سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۷ واردات تسلیحات آن ۳۲ درصد از کل واردات تسلیحات جهان را تشکیل داده است. آمریکا و کشورهای اروپایی صادرکننده اصلی تسلیحات به این منطقه و عرضه‌کننده بیش از ۹۸ درصد تسلیحات به عربستان سعودی هستند. در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۷ عربستان دومین واردکننده بزرگ تسلیحات در جهان بوده که نسبت به سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۸ حدود ۲۲۵ درصد واردات آن رشد داشته است (میلیتاری بالانس، ۲۰۱۸: ۳۱۹). بنابراین غرب آسیا منطقه اصلی در تجارت جهانی تسلیحات است به گونه‌ای که ۶۱/۱ درصد از ارزش کل توافقنامه‌های تسلیحاتی بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ و ۵۴/۵ درصد از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱

مربوط به این منطقه بوده است (توماس^۱، ۲۰۱۷). براساس گزارش الجزیره در ۱۶ آوریل ۲۰۱۸، رقابت‌های شدید تسلیحاتی در منطقه وجود دارد و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس میلیاردها دلار برای خرید تسلیحات هزینه کرده‌اند.

همچنین نوسازی و تقویت بنیه دفاعی در منطقه مورد نیاز است، کشورهای خلیج فارس به دنبال ارتقاء توان نظامی و استراتژی‌های مستقل هستند. تمایل به کاهش تکیه بر حمایت خارجی نیز می‌تواند، نشان دهنده راهبرد متنوع سازی قدرت‌های منطقه‌ای با توجه به واردات تسلیحاتشان باشد. حتی آن‌هایی که به طور سنتی از عرضه‌کنندگان غربی خرید دارند، اکنون به دنبال عرضه‌کنندگان دیگر مثل چین و روسیه هستند (میلیتاری بالانس، ۲۰۱۸: ۳۱۹). با وجود این، هر چند که از سیاست‌های اصلی جدید کشورهای منطقه، متنوع سازی روند خرید و واردات تسلیحات و همچنین افزایش توان تولید داخلی و در نتیجه تلاش برای استقلال نسبی در این زمینه است، اما همچنان بزرگترین صادرکننده تسلیحات به کشورهای منطقه، آمریکا است. به گونه‌ای که بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ صادرات تسلیحات به کشورهای غرب آسیا بیش از ۴۹ درصد از کل صادرات تسلیحات آمریکا در این دوره را تشکیل داده است. غرب آسیا برای آمریکا اهمیت ویژه‌ای دارد؛ بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ تسلیحات صادر شده به غرب آسیا ۴۶/۲ درصد از صادرات تسلیحات آن و ۴۵/۸ درصد بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ بوده است که به مراتب بیشتر از دومین عرضه‌کننده بزرگ تسلیحات به این منطقه می‌باشد (روسیه در برهه‌های زمانی فوق به ترتیب ۱۹/۱ و ۱۷/۵ درصد). (توماس، ۲۰۱۷).

ضرورت صرف منابع کافی برای مخارج نظامی

جهان امروز، جهانی پر از تولیدات پیشرفته در حوزه نظامی است و بسیاری از کشورها، بخش مهمی از توان مالی خود را معطوف به این عرصه کرده‌اند. در حقیقت، واقعیات جهان کنونی موجب شده است که هر کشوری برای حفظ منافع خود مجبور باشد تا با تقویت بنیه دفاعی خود، هزینه تهاجم نظامی کشورهای دیگر به مردمش را افزایش داده و از این طریق احتمال بروز جنگ را کاهش دهد. مطالعات جهانی نشان می‌دهد که بخش عظیمی از منابع مالی جهان به بخش نظامی اختصاص می‌یابد. مطابق گزارش ۲ می ۲۰۱۸ موسسه تحقیقات صلح استکهلم، مخارج نظامی جهانی در سال ۲۰۱۷

برابر با رقم عظیم ۱۷۳۹ میلیارد دلار بوده است که افزایش ۱/۱ درصدی (بر اساس مقادیر واقعی) نسبت به سال ۲۰۱۶ را نشان می‌دهد.

به دلیل شرایط منطقه‌ای، اهمیت توان دفاعی برای کشور ما دوچندان است؛ زیرا از طرفی، به روایت تاریخ، جنگ‌های متمادی (هم قومی و هم مذهبی) در منطقه و از طرفی دیگر مداخلات پی‌درپی کشورهای خارجی در منطقه، به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک و جایگاه منطقه در تعیین وضعیت بازارهای انرژی و بازارهای فروش اسلحه، باعث شده است منطقه انباری از باروت باشد که هر لحظه امکان تهاجمات جنگی وجود داشته باشد. در این شرایط تنها چیزی که می‌تواند مانع بروز جنگ شود، جلوگیری از برهم خوردن موازنه‌های امنیتی است. در صورتی که موازنه‌های امنیتی منطقه برهم خورد و کشوری توان نظامی خود را برتر از رقبای منطقه‌ای ببیند، می‌توان انتظار داشت جنگی در منطقه رخ دهد.

نگاهی به داده‌های مربوط به بودجه‌های نظامی کشورهای مختلف از جمله کشورهای منطقه‌ای، مطالب گفته‌شده در بالا را به‌خوبی روشن می‌سازد. جدول ۴ مخارج نظامی ۱۰ کشوری که بیشترین مخارج نظامی را طی سال ۲۰۱۷ داشته‌اند نشان می‌دهد:

جدول ۴: بالاترین میزان مخارج نظامی ۱۰ کشور اول جهان

ردیف	کشورها	میزان مخارج (میلیارد دلار)
۱	آمریکا	۶۱۰
۲	چین	۲۲۸
۳	عربستان سعودی	۶۹
۴	روسیه	۶۶
۵	هند	۶۴
۶	فرانسه	۵۸
۷	انگلستان	۴۷
۸	ژاپن	۴۵
۹	آلمان	۴۴
۱۰	کره جنوبی	۳۹

منبع: گزارش ۲ می ۲۰۱۸ موسسه تحقیقات صلح استکهلم

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، عربستان سعودی، تنها یکی از متخاصمان منطقه‌ای ایران، با حدود ۶۹ میلیارد دلار مخارج نظامی طی سال ۲۰۱۷ بالاتر از کشورهای همچون روسیه، انگلستان، فرانسه و آلمان در رده سوم جهان قرار دارد. جدول ۵ مخارج نظامی ایران در سال ۲۰۱۷ را در مقایسه با ۸ کشور منطقه نشان می‌دهد:

جدول ۵: میزان مخارج نظامی کشورهای منطقه

ردیف	کشورها	میزان مخارج (میلیارد دلار)
۱	عربستان سعودی	۶۹
۲	هند	۶۴
۳	ترکیه	۱۸
۴	رژیم اشغالگر قدس	۱۶
۵	ایران	۱۵
۶	پاکستان	۱۱
۷	عمان	۹
۸	عراق	۷
۹	کویت	۷

منبع: گزارش ۲ می ۲۰۱۸ موسسه تحقیقات صلح استکهلم

همان طور که جدول ۵ نشان می‌دهد، تنها ۹ کشور منطقه طی سال ۲۰۱۷، ۲۱۶ میلیارد دلار مخارج نظامی داشته‌اند. بر این اساس، مخارج نظامی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ از مجموع مخارج نظامی ترکیه، رژیم اشغالگر قدس، ایران، پاکستان و عراق، در سال ۲۰۱۷ بیشتر بوده است. برای شناخت بیشتر شرایط منطقه توجه به سهم مخارج نظامی از GDP می‌تواند حیاتی باشد. جدول ۶ سهم مخارج نظامی از GDP در سال ۲۰۱۷ را برای ۱۰ کشوری که بیشترین سهم را داشته‌اند نشان داده است.

جدول ۶: سهم مخارج نظامی از GDP در سال ۲۰۱۷

کشورها	سهم مخارج نظامی (درصد)
عمان	۱۲/۱٪
عربستان سعودی	۱۰/۳٪
جمهوری کنگو	۶/۲٪
کویت	۵/۸٪
الجزایر	۵/۷٪
اردن	۴/۸٪
رژیم اشغالگر قدس	۴/۷٪
لبنان	۴/۵٪
روسیه	۴/۳٪
بحرین	۴/۱٪

منبع: گزارش ۲ می ۲۰۱۸ موسسه تحقیقات صلح استکهلم

همان طوری که مشاهده می‌شود اکثر قریب به اتفاق کشورهای فوق در منطقه غرب آسیا هستند. در کشورهای فوق سهم مخارج نظامی از GDP در سال ۲۰۱۷، به‌طور متوسط، برابر با ۶/۲ درصد بوده است. این در حالی است که سهم مخارج نظامی ایران از GDP در سال ۲۰۱۷، برابر با ۳/۱ درصد اعلام گردیده است. بررسی دقیق‌تر وضعیت نظامی منطقه، طی سه دهه گذشته می‌تواند اهمیت اصلاح الگوی بودجه‌ریزی نظامی در جمهوری اسلامی ایران را به‌خوبی روشن سازد.

با توجه به بحرانی شدن محیط رفتاری در منطقه خلیج فارس از سال ۱۳۶۹، یعنی یک سال بعد از تصویب برنامه پنج‌ساله اول اقتصادی، بسیاری از اهداف و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده تحت‌الشعاع محیط بحرانی و تنش‌هایی قرار گرفت که در زمستان همان سال به وجود آمده و به سرعت همه چیز را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. در این جهت محیط متشنج و بحرانی خلیج فارس از یکسو سیاست‌های دفاعی ایران را تحریک نموده و از سوی دیگر سوءظن همسایگان جنوبی جمهوری اسلامی ایران که عمدتاً تحت تأثیر قدرت‌های مداخله‌گر خارجی بودند را افزایش داد. این امر منجر به افزایش نظامی‌گری منطقه‌ای و مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس گردید و این چیزی است که تحلیلگران مسائل امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی منحنی تداوم‌یافته «نظامی‌گری - مناقشه - نظامی‌گری» می‌نامند. علت آن بود که با آغاز جنگ دوم خلیج فارس روند افولی خرید تسلیحاتی

که بر اثر سقوط قیمت نفت و کاهش درآمد کشورهای نفت‌خیز عرب از سال ۱۹۸۵ فراهم آمده بود، مجدداً اوج گرفت و از ۵۳/۲ میلیارد دلار در همان سال، به یک‌باره با افزایش سعودی هزینه‌های نظامی تا مرز دو برابر رسید. در واقع گرایش عمده کشورهای خاورمیانه و حوزه خلیج فارس از نیمه دوم دهه ۸۰ در جهت کاهش بودجه‌ریزی دفاعی و خرید تسلیحاتی بود؛ اما جنگ خلیج فارس سبب گردید که روند فوق به یک‌باره متوقف گردیده، سوءظن‌ها افزایش یابد و به دلیل مقابله با شرایط متشنج منطقه‌ای هزینه‌های تسلیحاتی کشورهای خاورمیانه به یک‌باره اوج گرفت.

روند فوق بیان‌کننده نوعی پیوستگی در هزینه‌های دفاعی کشورهای منطقه‌ای می‌باشد، زیرا اگر یک کشور با بحران روبرو گردد، کشورهای دیگر این بحران را تهدیدی برای خود دانسته و در نتیجه مبادرت به افزایش هزینه‌های تسلیحاتی خود می‌کنند. افزایش توان تسلیحاتی یک کشور (در شرایط مناقشه و سوءظن) منجر به افزایش هزینه‌های تسلیحاتی کشورهای دیگر گردیده و در نتیجه به پیوستگی مسابقه تسلیحاتی (بخصوص در شرایط بحرانی) مفهوم واقعی‌تری می‌دهد، به‌گونه‌ای که مدار این روند را می‌توان به صورت ذیل موردتوجه قرار داد:

«هزینه‌های نظامی عربستان سعودی بشدت تحت تأثیر هزینه‌های نظامی ایران و عراق است، در حالی که هزینه‌های نظامی ایران و عراق نیز در ارتباط با یکدیگر بوده و یا از هزینه‌های نظامی عربستان سعودی متأثر می‌گردند.»^۱

با توجه به پیوستگی فوق ضروری بود که توان تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران که در شرایط قبل از بحران (۱۹۸۹) به تصویب رسیده بود، دگرگون شود، به‌گونه‌ای که به‌منظور ایجاد بازدارندگی منطقه‌ای، بتواند توان دفاعی خود که ارتباط بسیار زیادی با توان و میزان تأثیرگذاری منطقه‌ای داشت را افزایش دهد؛ اما فشار کشورهای غربی و بخصوص طرح کنترل تسلیحاتی آمریکا برای خاورمیانه که با نوعی «تسلیمات ترجیحی» برای کشورهای محافظه‌کار منطقه همراه بود، افزایش توان نظامی رقبای منطقه‌ای، هم‌زمان با کنترل توان نظامی ایران را دنبال می‌کرد. به همین دلیل، جنگ تبلیغاتی آن‌ها در سیستم افکار عمومی آن کشور و دیگر واحدهای جهانی متوجه «اصول‌گرایی اسلامی» و «رادیکالیسم سیاسی» جمهوری اسلامی ایران گردید. شکل‌گیری چنین جوی را می‌توان تحت عنوان «عارضه عراقی» نیز مورد تحلیل قرار داد. از آنجا که تأکید عمده «جورج بوش» در طرح کنترل تسلیحاتی خاورمیانه، عمدتاً در حوزه جنگ‌افزارهای متعارف، هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک بوده و از سوی دیگر برای ایجاد امنیت لازم برای رژیم اشغالگر قدس، مقابله با تولید و آزمایش

^۱ Ibid, p. ۲۰۸

موشک‌های بالستیک زمین به زمین به عنوان یک ضرورت تلقی می‌گردید، لذا هر کشوری که تحقیقات و یا تلاش‌هایی را در این حوزه‌ها آغاز می‌کرد، از دیدگاه آمریکایی‌ها به عنوان عنصر مخرب و برهم زننده نظم تلقی می‌شد. لذا «طرح کنترل تسلیحات برای خاورمیانه» از طرف جورج بوش و در «می ۱۹۹۱» اعلام گردید که منطقه‌ای به وسعت ایران تا مراکش را در برمی‌گرفت. این در حالی بود که کشور ترکیه و رژیم اشغالگر قدس در طرح اولیه مستثنا گردیده بودند. همچنین کشورهای محافظه‌کار حوزه خلیج فارس نیز با مخارج هنگفت نظامی، رکورد جدیدی را در تاریخ نظامی‌گری در خلیج فارس به ثبت رساندند؛ به عبارت دیگر توان نظامی رقبای منطقه‌ای همواره در حال افزایش بوده است در حالی که ایران، با شانتاژ کشورهای عربی و حامیان غربی آنان، به‌طور مداوم ذیل موارد مختلف از جمله مسائل هسته‌ای، برنامه موشکی، پرونده‌های حقوق بشری، موضوع جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس و... با محدودیت‌های متعددی روبه‌رو بوده است.

همچنین، تجربه نظامی ایران در جنگ هشت‌ساله خود با عراق بیان‌کننده آن است که قدرت‌های بزرگ متناسب با شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، برای خنثی‌سازی رفتار و جایگاه بازیگری که از مطلوبیت رفتاری و کارکردی کمتری برخوردار است، موازنه‌سازی محدودکننده‌ای را در دستور کار خود قرار می‌دهند؛ بنابراین، آن کشور برای مقابله با چنین شرایط محدودکننده‌ای که به نوعی امنیت ملی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نیازمند یک نیروی بازدارنده قوی، تعیین‌کننده و تأثیرگذار می‌باشد تا در جهت آن و در برابر ترتیبات امنیت دسته‌جمعی منطقه‌ای (که با حضور ایالات متحده از جهت‌گیری رفتاری خاصی برخوردار گردیده و تحریکات جاری از سوی آن کشورها به‌گونه‌ای هماهنگ انجام می‌گیرد)، مقابله نماید. جمهوری اسلامی ایران در شرایط موجود علاوه بر تجربیات هشت‌ساله جنگ و معادلات قدرتی که بعد از جنگ دوم خلیج فارس در منطقه به وجود آمد و به‌موجب آن، کشورهای عربی مقادیر قابل‌توجهی جنگ‌افزارهای نظامی را تهیه نموده و پیمان‌های دوجانبه دفاعی را با کشورهای منطقه به امضاء رساندند، تحت تأثیر بی‌ثباتی عمومی منطقه بوده و در جهت آن برای دفاع مؤثر از ارزش‌های موردنظر نظام سیاسی و دفاع از حاکمیت ملی خود نیازمند «بازدارندگی مؤثر و قوی» در مقابل بی‌ثباتی‌های منطقه و تهدیدات ناشی از آن می‌باشد. آینده نامشخص عراق و جنگ قدرت در افغانستان نیز، ضرورت به‌کارگیری «بازدارندگی مؤثر» در استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را مورد تأکید مجدد قرار می‌دهد (متقی، ۱۳۹۵).

روش‌شناسی تحقیق

متغیرهای بکار برده شده در تحقیق عبارتند از: میزان مخارج نظامی کشورها، میزان واردات تسلیحات کشورها و تولید ناخالص داخلی کشورها است که دو متغیر میزان مخارج نظامی کشورها، میزان واردات تسلیحات کشورها به عنوان متغیرهای مستقل و تولید ناخالص داخلی تحت عنوان متغیر وابسته بکار برده شده است. در تحقیق حاضر بر مبنای هدف آن و متغیرهای بکار رفته در تحقیق جهت پاسخگویی به سوالات، مدل اقتصادی برای هر کشور بصورت زیر ارائه می‌گردد:

$$GDP_{itIR} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Military spending}_{itIR} + \alpha_2 \text{ Import of military weapons}_{itIR} + \varepsilon_i \quad (3-1)$$

$$GDP_{itSR} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Military spending}_{itSR} + \alpha_2 \text{ Import of military weapons}_{itSR} + \varepsilon_i \quad (3-2)$$

$$GDP_{itSAU} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Military spending}_{itSAU} + \alpha_2 \text{ Import of military weapons}_{itSAU} + \varepsilon_i \quad (3-3)$$

$$GDP_{itUSA} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Military spending}_{itUSA} + \alpha_2 \text{ Import of military weapons}_{itUSA} + \varepsilon_i \quad (3-4)$$

$$GDP_{itTUR} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Military spending}_{itTUR} + \alpha_2 \text{ Import of military weapons}_{itTUR} + \varepsilon_i \quad (3-5)$$

$$GDP_{itPAK} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Military spending}_{itPAK} + \alpha_2 \text{ Import of military weapons}_{itPAK} + \varepsilon_i \quad (3-6)$$

$$GDP_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Military spending}_{it} + \alpha_2 \text{ Import of military weapons}_{it} + \varepsilon_i$$

متغیرهای بکار رفته در مدل اقتصادی فوق بصورت زیر می‌باشند:

$$GDP_{it} = \text{تولید ناخالص داخلی کشور } i \text{ ام در سال } t \text{ ام}$$

$$\text{Military spending}_{it} = \text{مخارج نظامی کشور } i \text{ ام در سال } t \text{ ام}$$

$$\text{Import of military weapons}_{it} = \text{واردات تسلیحات نظامی کشور } i \text{ ام در سال } t \text{ ام}$$

با استفاده از روش تجزیه و تحلیل حداقل مربعات معمولی، مدل اقتصادی برای هر کشور بصورت مجزا، تأثیر متغیرهای مستقل میزان مخارج نظامی کشورها، میزان واردات تسلیحات کشورها را بر روی متغیر وابسته تولید ناخالص داخلی هر کشور تخمین زده می‌شود. این تحقیق از منظر هدف تحقیقی کاربردی می‌باشد چرا که نتایج حاصل از این تحقیق مورد استفاده در دانشگاه دفاع ملی و ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و همچنین قابل استفاده برای محققین و دانشجویان می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

بررسی مانایی متغیرها

در این مرحله درجه جمعی متغیرها مشخص می‌گردد. برای این منظور جهت تشخیص مانایی متغیرها و تعیین درجه‌ی جمعی آن‌ها از آزمون‌های ایستایی لوین، لین و چو^۱، ایم پسران و شین^۲ استفاده شده است که نتایج در جدول ۷ آورده شده است.

جدول ۷: نتایج آزمون مانایی برای متغیرهای مدل‌ها

نتیجه	ایم پسران و شین		لوین، لی و چو		نام متغیر
	احتمال	آماره	احتمال	آماره	
I(۰)	۰/۰۰۰۰	-۱۰/۶۸۹۹	۰/۰۰۰۰	-۳۲/۰۹۳۱	تولید ناخالص داخلی
I(۰)	۰/۰۰۰۰	-۶/۸۵۶۴۹	۰/۰۰۰۰	-۲۱/۹۴۵۷	مخارج نظامی
I(۰)	۰/۰۰۰۰	-۸/۶۸۸۷۵	۰/۰۰۰۰	-۵۵/۴۶۲۸	واردات تسلیحات نظامی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از آزمون مانایی لوین، لی و چو، دریافتیم که با در نظر داشتن این نکته که احتمال معناداری آماره این آزمون ($p < ۰/۰۵$)، تمامی متغیرهای تحقیق در سطح مانا بوده و نیازی نیست از تفاضل‌گیری مرتبه اول استفاده شود. بطوریکه متغیر تولید ناخالص داخلی مقدار آماره لوین، لی و چو ($-۳۲/۰۹۳۱$) با احتمال ($۰/۰۰۰۰$)، برای متغیر مخارج نظامی مقدار آماره ($۲۱/۹۴۵۷$) با احتمال ($۰/۰۰۰۰$)، برای متغیر واردات تسلیحات نظامی مقدار آماره لوین، لی و چو ($۵۵/۴۶۲۸$) با احتمال ($۰/۰۰۰۰$) این مقادیر نشان می‌دهد که متغیرهای مورد استفاده در تحقیق حاضر در سطح مانا می‌باشد. همچنین مقدار آماره ایم پسران و شین برای متغیر تولید ناخالص داخلی ($۱۰/۶۸۹۹$) با احتمال ($۰/۰۰۰۰$)، برای متغیر مخارج نظامی مقدار آماره ($-۶/۸۵۶۴۹$) با احتمال ($۰/۰۰۰۰$)، برای متغیر واردات تسلیحات نظامی ($-۸/۶۸۸۷۵$) با احتمال ($۰/۰۰۰۰$) این مقادیر نشان می‌دهد که متغیرهای مورد استفاده در تحقیق حاضر در سطح مانا می‌باشد و نیازی به تفاضل‌گیری از متغیرها نمی‌باشد.

^۱ Levin, Lin & Chui

^۲ Im, Pesaran and Shin

آزمون اف لیمر

با استفاده از آزمون اف لیمر وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص کرد. فرضیه صفر این آماره مبتنی بر همگن بودن مقاطع (پولینگ دیتا بودن داده‌های آماری). چنانچه فرضیه صفر رد شود، فرضیه مقابل آن مبتنی بر وجود ناهمگنی بین مقاطع (پانل دیتا بودن داده‌های آماری) پذیرفته می‌شود. در صورتیکه مقدار اف محاسبه شده از اف جدول با درجات آزادی مشخص شده بزرگتر باشد فرضیه صفر مبنی بر همگنی مقاطع و عرض از مبداهای یکسان رد می‌شود و لذا اثرات گروه پذیرفته شده و می‌بایستی عرض از مبداهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود در نتیجه می‌توان از روش پانل جهت برآورد استفاده کرد ولی در صورتی که فرضیه صفر پذیرفته شود به معنی یکسان بودن شیب‌ها برای مقاطع مختلف بوده و قابلیت ترکیب شدن داده‌ها و استفاده از مدل از داده‌های تلفیقی مورد تأیید آماری قرار می‌گیرد.

عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر هستند (داده‌های تلفیقی): H_0

عرض از مبدأ در تمام مقاطع برابر نیستند (داده‌های تابلویی): H_1

جدول ۸: نتایج آزمون اف لیمر

آماره	مقدار آماره	احتمال
آماره اف لیمر	۱/۷۸۵۴۵	۰/۰۰۲۸
کای اسکوتر	۱۷۶/۵۶۴۷۶	۰/۰۰۰۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه مقدار آماره آزمون F بالاسست (۱/۷۸۵۴۵) و کمتر از کمیت بحرانی ۱۷۶/۵۶۴۷۶ می‌باشد. همچنین مقدار ارزش احتمال نیز کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین دلیلی بر رد فرضیه صفر نداریم بنابراین فرضیه صفر مبنی بر پولینگ بودن مدل که فرضیه برابر بودن عرض از مبدأ برای تمام شرکت‌هاست را بکار می‌بندیم و از روش داده‌های تلفیقی^۱ استفاده شده است.

آزمون فرضیات

مخارج نظامی و میزان واردات تسلیحات نظامی کشورهای منتخب تأثیر معناداری بر میزان تولید ناخالص داخلی دارد.

جدول ۹: نتایج برآورد مدل تحقیق

کشور ایران			
متغیرها	ضرایب	آماره t	معنی داری
عرض از مبدأ	۰/۹۱۳۲۹۰	۱/۱۶۳۱۶۹	۰/۲۴۵۱
مخارج نظامی (Military spending _{iIR})	-۰/۰۲۱۷۵۳	۳/۱۴۷۰۸۶	۰/۰۰۳۱
میزان واردات تسلیحات نظامی (of military Import) (weapons _{iIR})	-۰/۰۷۳۷۱۷	۹/۰۶۶۵۷۳	۰/۰۰۰۰
R ^۲ = ۰/۹۲۵۴۱۱ DW = ۱/۹۷۴۵۵۴			
رژیم صهیونیستی			
متغیرها	ضرایب	آماره t	معنی داری
عرض از مبدأ	۰/۵۸۷۴۴۶	۱/۰۰۰۲۵۴	۰/۸۷۴۴
مخارج نظامی (Military spending _{iIR})	-۰/۴۶۲۵۴۱	۱۲/۷۸۶۷۸۸	۰/۰۰۰۱
میزان واردات تسلیحات نظامی (Import of military) (weapons _{iIR})	-۰/۵۵۲۴۱۴	۶/۴۵۲۶۵۴	۰/۰۱۲۴
R ^۲ = ۰/۹۷۴۵۱ DW = ۱/۹۱۴۴۲			

با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل اقتصادسنجی تحقیق، می توان گفت مخارج نظامی با ضریب -۰/۰۲۱۷۵۳ بر تولید ناخالص داخلی در کشور ایران تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در مخارج نظامی، تولید ناخالص داخلی کشور به اندازه ۲/۱۷ درصد کاهش پیدا می کند. با توجه به احتمال بدست آمده (۰/۰۰۳۱) می توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می باشد. همچنین میزان واردات تسلیحات نظامی با ضریب -۰/۰۷۳۷۱۷ بر تولید ناخالص داخلی در کشور ایران تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در میزان واردات تسلیحات نظامی، تولید ناخالص داخلی کشور به اندازه ۷/۰۷۳ درصد کاهش پیدا می کند. با توجه به احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۰) می توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می باشد. نتایج حاصل در رابطه با رژیم صهیونیستی بدین صورت است که مخارج نظامی با ضریب -۰/۴۶۲۵۴۱ بر تولید ناخالص داخلی در رژیم صهیونیستی تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در مخارج نظامی،

تولید ناخالص داخلی این رژیم به اندازه ۴۶/۲۵ درصد کاهش پیدا می‌کند. با توجه به احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۱) می‌توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می‌باشد. همچنین میزان واردات تسلیحات نظامی با ضریب ۰/۵۵۲۴۱۴- بر تولید ناخالص داخلی در رژیم صهیونیستی تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در میزان واردات تسلیحات نظامی، تولید ناخالص داخلی رژیم صهیونیستی به اندازه ۵۵/۲۴ درصد کاهش پیدا می‌کند. با توجه به احتمال بدست آمده (۰/۰۱۲۴) می‌توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می‌باشد.

جدول ۱۰: نتایج برآورد مدل تحقیق

ترکیه			
معنی داری	آماره t	ضرایب	متغیرها
۰/۱۱۲۳	۰/۹۸۶۵۸۷	۰/۰۲۴۵۸۵	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰۰	۹/۴۷۴۸۵	-۰/۳۵۶۲۴۵	مخارج نظامی (Military spending _{itIR})
۰/۰۰۰۳	۴/۶۵۸۹۳	-۰/۳۷۸۴۵۵	میزان واردات تسلیحات نظامی (Import of) (military weapons _{itIR})
R ^۲ = ۰/۹۰۴۵۸ DW = ۲/۰۱۴۴۲			

آمریکا			
معنی داری	آماره t	ضرایب	متغیرها
۰/۲۵۶۳	۱/۶۳۵۲۸	۰/۱۲۶۹۸	عرض از مبدأ
۰/۰۰۲۵	۳/۶۵۷۵۵	-۰/۶۸۷۸۵	مخارج نظامی (Military spending _{itIR})
۰/۰۰۱۳	۱۱/۴۳۳۶۶	-۰/۴۵۸۷۴	میزان واردات تسلیحات نظامی (Import of) (military weapons _{itIR})
R ^۲ = ۰/۹۶۵۲۴ DW = ۱/۹۳۵۴۱			

با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل اقتصادسنجی تحقیق، می توان گفت مخارج نظامی با ضریب $0/356245$ - بر تولید ناخالص داخلی در کشور ترکیه تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در مخارج نظامی، تولید ناخالص داخلی این کشور به اندازه $35/62$ درصد کاهش پیدا می کند. با توجه به احتمال بدست آمده $(0/0000)$ می توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می باشد. همچنین میزان واردات تسلیحات نظامی با ضریب $0/378455$ - بر تولید ناخالص داخلی در کشور ترکیه تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در میزان واردات تسلیحات نظامی، تولید ناخالص داخلی این کشور به اندازه $37/84$ درصد کاهش پیدا می کند. با توجه به احتمال بدست آمده $(0/0003)$ می توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می باشد. همچنین نتایج حاصل در رابطه با کشور آمریکا بدین صورت است که مخارج نظامی با ضریب $0/68785$ - بر تولید ناخالص داخلی این کشور تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در مخارج نظامی، تولید ناخالص داخلی کشور آمریکا به اندازه $68/78$ درصد کاهش پیدا می کند. با توجه به احتمال بدست آمده $(0/0025)$ می توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می باشد. همچنین میزان واردات تسلیحات نظامی با ضریب $0/45874$ - بر تولید ناخالص داخلی در آمریکا تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در میزان واردات تسلیحات نظامی، تولید ناخالص داخلی آمریکا به اندازه $45/87$ درصد کاهش پیدا می کند. با توجه به احتمال بدست آمده $(0/0013)$ می توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می باشد.

جدول ۱۱: نتایج برآورد مدل تحقیق

کشور پاکستان			
متغیرها	ضرایب	آماره t	معنی داری
عرض از مبدأ	$0/913290$	$1/86987$	$0/3364$
مخارج نظامی (Military spending _{itIR})	$-0/32658$	$2/32658$	$0/0002$
میزان واردات تسلیحات نظامی (of Import) (military weapons _{itIR})	$-0/29874$	$6/77746$	$0/0000$
$R^2 = 0/97451$			
$DW = 1/99321$			
کشور عربستان سعودی			

متغیرها	ضرایب	آماره t	معنی داری
عرض از مبدأ	۰/۶۵۸۷۴۴	۱/۶۵۴۷۸۴	۰/۴۷۹۶
مخارج نظامی (Military spending _{itR})	-۰/۶۹۸۷۴۴	۱۶/۷۵۴۸۷۷	۰/۰۰۰۰
میزان واردات تسلیحات نظامی (Import of (military weapons _{itR})	-۰/۷۲۵۷۸۴	۸/۶۳۲۰۲۵	۰/۰۰۰۰
R ^۲ = ۰/۹۸۷۵۴			
DW= ۱/۹۸۷۷۷			

با توجه به نتایج حاصل از تخمین مدل اقتصادسنجی تحقیق، می‌توان گفت مخارج نظامی با ضریب ۰/۳۲۶۵۸- بر تولید ناخالص داخلی در کشور پاکستان تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در مخارج نظامی، تولید ناخالص داخلی کشور به اندازه ۳۲/۶۵ درصد کاهش پیدا می‌کند. با توجه به احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۲) می‌توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می‌باشد. همچنین میزان واردات تسلیحات نظامی با ضریب ۰/۲۹۸۷۴- بر تولید ناخالص داخلی در کشور پاکستان تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در میزان واردات تسلیحات نظامی، تولید ناخالص داخلی کشور به اندازه ۲۹/۸۷ درصد کاهش پیدا می‌کند. با توجه به احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۰) می‌توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می‌باشد. نتایج حاصل در رابطه با کشور عربستان بدین صورت است که مخارج نظامی با ضریب ۰/۶۹۸۷۴۴- بر تولید ناخالص داخلی در کشور عربستان تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در مخارج نظامی، تولید ناخالص داخلی این کشور به اندازه ۶۹/۸۷ درصد کاهش پیدا می‌کند. با توجه به احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۰) می‌توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می‌باشد. همچنین میزان واردات تسلیحات نظامی با ضریب ۰/۷۲۵۷۸۴- بر تولید ناخالص داخلی در کشور عربستان تأثیرگذار است، به عبارت دیگر به ازای یک درصد افزایش در میزان واردات تسلیحات نظامی، تولید ناخالص داخلی کشور عربستان به اندازه ۷۲/۵۷ درصد کاهش پیدا می‌کند. با توجه به احتمال بدست آمده (۰/۰۰۰۰) می‌توان گفت این تأثیرگذاری معنادار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

متغیرهای مورد استفاده در تحقیق حاضر در سطح مانا می‌باشد و نیازی به تفاضل‌گیری از متغیرها نمی‌باشد. مخارج نظامی و میزان واردات تسلیحات نظامی کشورهای منتخب تأثیر معناداری بر میزان

تولید ناخالص داخلی دارد. نتایج حاصل از تخمین مدل اقتصادی تحقیق برای کشورهای منتخب نشان داد در بین مخارج نظامی کشورهای مورد بررسی بترتیب که کشور عربستان با ۶۹/۸۷ درصد، آمریکا ۶۸/۷۸، رژیم صهیونیستی با ۴۶/۲۵ درصد، ترکیه با ۳۵/۶۲، پاکستان با ۳۲/۶۵ درصد و ایران با ۲/۱۷ درصد بر رشد اقتصادی تأثیرگذار می‌باشند؛ با این تفاسیر در بین کشورهای منتخب، کشور عربستان و آمریکا بیشترین هزینه را در بخش نظامی کشورشان صرف کرده‌اند. همچنین در بحث واردات تسلیحات نظامی کشورها، عربستان با ۷۲/۵۷ درصد اولین رتبه در واردات تسلیحات نظامی را به خود اختصاص داده است و این نشان می‌دهد که در منطقه خاورمیانه در بین کشورها، عربستان تنها کشوری است که به دنبال نا امنی در منطقه می‌باشد. دومین رتبه را رژیم صهیونیستی با ۵۵/۲۴ درصد کسب کرده است. این نتایج نشان می‌دهد کشور عربستان و رژیم صهیونیستی تمام تلاش خود را در خصوص تجهیز تسلیحات نظامی بکار بسته‌اند و این تلاش‌های را مدیون کشور آمریکا هستند. کشور آمریکا با افکار نفوذی خود در منطقه خاورمیانه بیشترین همکاری‌های خود را در زمینه تسلیحات نظامی با عربستان و رژیم صهیونیستی داشته است و این نشان می‌دهد با وجود عدم شفافیت در ارائه آمار و اطلاعات نظامی این سه کشور جزو اولین‌ها در زمینه مخارج نظامی و واردات تسلیحات نظامی هستند. این در حالی است که کشور ایران فقط ۲/۱۷ درصد مخارج نظامی کشور بر میزان تولید ناخالص داخلی تأثیر گذاشته است و این نشان می‌دهد به نسبت دیگر کشورهای منتخب مورد بررسی، کشور ایران در بخش نظامی مخارج کمتری صرف کرده است؛ به عبارت دیگر در خصوص میزان بودجه دفاعی کشورها طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۸ میلادی، چنانچه ملاحظه می‌شود در بین کشورهای آمریکا، رژیم اشغالگر قدس، ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی و ایران، ایران همواره کمترین رقم را در زمینه دفاع و هزینه دفاعی تخصیص داده است و بیشترین امنیت را به‌خصوص در کشورهای همجوار منتخب کسب کرده است.

منابع

الف- فارسی

- آتش بار، توحید (۱۳۹۶)، *شیوه‌های اولویت‌بندی / اصلاحات ساختاری مرکز پژوهش‌های مجلس*.
- لطفی جلال آبادی؛ مصطفی؛ غلامی کرین، محمود؛ امیری، حسن؛ موسوی، سیدعلی (۱۳۹۵)، *تبیین الزامات بودجه‌ریزی سازمان‌های دفاعی آینده با استفاده از روش دلفی*، فصلنامه آینده پژوهی دفاعی، ۸۹-۱۰۷.

ب- انگلیسی

- Amanda Macias, Trump gives \$717 billion defense bill a green light. *Here's what the Pentagon is poised to get*, 13 August 2018, CNBC: <https://www.cnbc.com/2018/08/13/trump-signs-717-billion-defense-bill.html>
- Thomas, Clayton (2017) Arms Sales in the Middle East: Trends and Analytical Perspectives for U.S. Policy, Congressional Research Service. <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44984.pdf>
- Lunn, Simon (2015), **DEMOCRATIC OVERSIGHT AND THE CHANGING SECURITY CONTEXT**, Oversight and Guidance: Parliaments and Security Sector Governanc, GENEVA CENTRE FOR THE DEMOCRATIC CONTROL OF ARMED FORCES (DCAF) & NATO PARLIAMENTARY ASSEMBLY (NATO PA). https://www.dcaf.ch/sites/default/files/publications/documents/Oversight%20and%20Guidance%20Parliaments%20and%20SSG_eng.pdf
- Pieter D. & Wezeman, Siemon T. (2014) *Balancing transparency and national security*, <https://www.sipri.org/node/400>
- Sharp, Jeremy M. (2018) U.S. Foreign Aid to Israel, *Congressional Research Service*, <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RL33222.pdf>
- Cover, Oliver & Meran, Sazan (2013), *the quality of legislative oversight of defence in 82 countries*, Transparency International UK, <http://ti-defence.org/wp-content/uploads/2016/03/Watchdogs-low.pdf>
- Freeman, sam perlo (2016), *Transparency and accountability in military spending*, <https://sipri.org/commentary/topical-backgroundunder/2016/transparency-and-accountability-military-spending>
- Blanchard, Christopher M. (2018), *Saudi Arabia: Background and U.S. Relations*, Congressional Research Service,